

واکاوی و برجسته سازی صفات و شخصیت زن از نگاه فردوسی و انعکاس آن در شاهنامه بایسنقری (دو نگاره «زال و رودابه» و «دیدار اردشیر و گلنار»)

چکیده

ادبیات هر قوم و نژادی، بیانگر نگرش آنان نسبت به شخصیت‌ها و مقوله‌های فردی و اجتماعی است. ادبیات داستانی یکی از شاخه‌های مهم ادبیات در ایران است که مطالعه آن نقش مهمی در بازشناسی عناصر و دیدگاه‌های فرهنگی دارد. شخصیت‌های داستانی از طریق انتساب خصیصه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی و ... در یک متن ادبی معرفی می‌شوند. در این بین، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به شخصیت زنان در روایات داستانی و شعری ادبیات کهن ایران دیده می‌شود. بررسی نقش زنان در اغلب داستان‌های مشهور حماسی، نقش‌آفرینی و بازتاب سیمای متفاوت آنان در داستان‌ها، در شمار بحث‌هایی است که همیشه مورد مناقشه اهل فن و تحقیق بوده است. یکی از منابع ادبی که به این موضوع توجه داشته است، شاهنامه بایسنقری است که نسخه کهن نگاره دار شاهنامه فردوسی از دوره تیموری؛ سده نهم هجری قمری و در قالب نوآوری‌های مکتب نگارگری هرات (خراسان) می‌باشد. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای درصدد است که به جنبه‌های مختلف شخصیت و صفات زنان از جمله: عشق و شیفتگی، زیبایی و دلفریبی، پادشاهی و مملکت‌داری، ازدواج و همسر‌داری، عفاف و پوشیدگی، خیانت و بی‌وفایی در طول دو نگاره «زال و رودابه» و «دیدار اردشیر و گلنار» در شاهنامه بایسنقری که مبتنی بر تحلیل باشد، بپردازد. نتایج این پژوهش بیانگر این است که حضور نگاره‌های زنان در شاهنامه بایسنقری لطافت خاصی به این اثر بخشیده و زنانی که فردوسی به توصیف آن‌ها در شاهنامه پرداخته است، نسبت به زنان عصر خود دارای ویژگی‌های منحصر به فردتری هستند.

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی صفات و شخصیت زن از نگاه فردوسی.

۲. شناسایی مصداق‌های بارز شخصیت و صفات زنان در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری.

سوالات پژوهش:

۱. فردوسی چه مواردی از صفات و شخصیت زن را در داستان‌های شاهنامه نشان داده است؟

۲. صفات و شخصیت زن از نگاه فردوسی در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری چگونه انعکاس یافته است؟

واژگان کلیدی: شخصیت زن، فردوسی، شاهنامه بایسنقری، نگاره «زال و رودابه»، نگاره «دیدار اردشیر و گلنار».

مقدمه

ادبیات ملل در بردارنده‌ی بخش بزرگی از احساسات، عواطف و تفکرات انسانی است که تمامی وجوه زندگی فردی و اجتماعی آنان را در بر می‌گیرد. یکی از مباحثی که منتقدان اثر ادبی بر پایه نظریات روانشناسی به آن پرداخته‌اند، شخصیت‌پردازی و تحلیل و واکاوی شخصیت‌های داستانی در ادبیات کهن و امروزی است. این شخصیت‌ها گاه صاف و ساده و گاه شگفت‌انگیز و پیچیده هستند که در هر صورت، الگویی از شخصیت‌های حقیقی و واقعی افراد هستند. شاهنامه فردوسی یکی از این گنجینه‌های عظیم ادبی که جزئی از ادبیات حماسی ایران زمین محسوب می‌شود. شاهنامه رزم‌نامه‌ای گسترده و فراگیر است که در برگزیده اسطوره‌ها و تاریخ ایران از آغاز تا حمله اعراب به ایران در سده‌ی هفتم هجری قمری است. حضور زن در آثار هنری و ادبی، لطافت و سرزندگی خاصی به آن‌ها می‌بخشد. به ویژه که اگر این حضور با خصوصیات بارز و مهم زن یعنی: زیبایی، ساقی، مطرب، عشق، غیرت و ... همراه باشد. تحقق این امر که در ادبیات حماسی صورت می‌گیرد، از دیگر انواع ادبی از جمله عرفانی و غنایی هم چشمگیرتر است. زیرا مرد، جنگ، مرگ، خون، خشم و ... جزء ذاتی حماسه بوده و این‌ها به تنهایی فضای سیاه و مسمومی را پدید می‌آورند که هرگز نمی‌توان در آن نفس کشید. اینجاست که در این میانه، زن به فریاد شاعر، خواننده و زندگی می‌رسد که با لطافت و شادابی و حضور خود تعالی عجیب و دلخواه در طول داستان پدید می‌آورد. در شاهنامه فردوسی حدود پنجاه پادشاه از جمله سه بانو که بر این سرزمین فرمانروایی کرده‌اند، یاد شده و درون مایه آن تاریخی است. زنانی که فردوسی به توصیف آن پرداخته، نسبت به زنان عصر خود شاخص‌ترند. در ایران در طول دوره اسلامی شاهد توجه جدی به شاهنامه به عنوان یک اثر ارزشمند ادبی هستیم. در این میان، شاهنامه بایسنقری یکی از نسخه‌های مصوّر شاهنامه فردوسی است که در مکتب هرات کتابت شده است. این کتاب ارزشمند و نفیس، ۲۲ نگاره دارد و در سال ۸۳۳ قمری (۸۰۹ خورشیدی) به سفارش شاهزاده بایسنقر میرزا (فرزند شاهرخ و نوه تیمور گورکانی) تهیه شده است. این شاهنامه که در بردارنده داستان‌های تصویری از شخصیت زن در نگاره‌های خود می‌باشد، به نوعی بیان‌کننده نگاه و دیدگاه فردوسی در باب شخصیت‌پردازی زن و صفات زنانه است که در قالب نگارگری به تصویر کشیده شده است.

درخصوص پیشینه پژوهش باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در آمده است با این حال آثاری به بررسی زن در شاهنامه پرداخته‌اند. «زنان شاهنامه (پژوهش و نقالی از آذرگشسب تا همای)» از جمال‌الدین حائری که در سال (۱۳۸۳) توسط انتشارات پیوند نو در تهران به چاپ رسیده است. در این کتاب فقط به معرفی و شرح حال زنان در شاهنامه پرداخته است. «سخنان سزاوار زنان در شاهنامه پهلوانی» از خجسته کیا که در سال (۱۳۷۱) در تهران توسط انتشارات فاخته چاپ شده است. این کتاب هم فقط به معرفی اجمالی زنان و سرگذشت آنان در شاهنامه پرداخته است. «فردوسی، زن و تراژدی» از ناصر حریری که در سال (۱۳۹۴) توسط انتشارات آویشن در بابل به چاپ رسیده است. این کتاب در حقیقت خلاصه مقالات در باب زنان در شاهنامه است که جمع-

آوری شده است و پژوهش جدیدی نیست. مقاله «تحلیل ازدواج در شاهنامه فردوسی» از سیده سعیده سنجری که در فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، در پائیز (۱۳۹۴) به چاپ رسیده است. این مقاله فقط به بحث ازدواج پهلوانان شاهنامه اشاره کرده است. «آرمان شهر زنان مقایسه تطبیقی داستان شهر زنان در اسکندر نامه شاهنامه فردوسی و اسکندر نامه نظامی با اسطوره‌های کهن یونانی و داستان‌های اوتوپایی» از مریم حسینی که در فصلنامه‌ی پژوهش زنان در پائیز (۱۳۸۵) به چاپ رسیده است. این مقاله فقط به نقش قهرمانان اصلی دو اثر نامبرده اشاره دارد. «عشق و اندوه در شخصیت‌های زن دو اثر حماسی فارسی و آلمانی شاهنامه فردوسی و سروده نیلونگن» می‌باشد که توسط الهام رحمانی مفرد (۱۳۸۸) در فصلنامه زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی به چاپ رسیده است. این مقاله هم به جنبه‌های مثبت و منفی عشق و اندوه در دو اثر ذکر شده پرداخته است. «بازنمایی اجتماعی شاهنامه فردوسی و بررسی هویت فرهنگی-اجتماعی نهاد خانواده ایرانیان از نگاه ایرانیان» که در مجله‌ی زن در فرهنگ و هنر در تابستان سال (۱۳۹۱) توسط حبیب احمدی، حمیرا بذرفکن و علی عربی به چاپ رسیده است. این مقاله فقط به موضوعاتی از جمله نقش خانواده‌ها در رشد و تعلیم قهرمانان در شاهنامه پرداخته است. اما آنچه که این پژوهش را از سایر مطالعات صورت گرفته جدا می‌سازد، جنبه بررسی روایت‌های تصویری صفات و شخصیت‌های زن شاهنامه است. روایت‌های تصویری از شاهنامه که در شاهنامه بایسنقری نسخه خطی حماسی عصر تیموری به تصویر کشیده شده است و از آنجا که هیچ یک از نویسندگان به طور دقیق وارد جزئیات و برجسته سازی تصویری صفات و شخصیت‌های زنان در شاهنامه بایسنقری نشده‌اند، لذا این مطالعه با شیوه تحلیلی-توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای سعی در واکاوی و بررسی برخی از صفات زنان از قبیل: عشق و شیفگی، زیبایی و دلفریبی، پادشاهی و مملکت داری، ازدواج و همسر داری، عفاف و پوشیدگی، خیانت و بی وفایی را نگاره‌های شاهنامه بایسنقری دارد. همچنین، این نگاره‌ها صفات نیک یا بد و میزان اثر بخشی زنان را از نظر فردوسی به نمایش می‌گذارد. در نهایت، باید اشاره کرد، از آنجا که در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری اندک تصویری از چهره زنان شاهنامه به تصویر کشیده شده است، لذا، در این پژوهش تنها به ویژگی شخصیتی خاصی از زنان اشاره شده است که در دو نگاره «زال و رودابه» و «دیدار اردشیر و گلنار» به تصویر درآمده است.

نتیجه‌گیری

در ادبیات ملل مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به شخصیت‌های زنان وجود دارد. حضور زن در آثار هنری، لطافت خاصی به آن‌ها می‌بخشد. در ادبیات ایرانی، سروده‌های حماسی از سابقه‌های دیرین برخوردارند. زنانی که فردوسی به توصیف آن‌ها در شاهنامه پرداخته است، نسبت به زنان عصر خود شاخص‌ترند و در حماسه عشق حرف اول را می‌زنند. البته نگاه فردوسی به عشق نمایش جلوه‌های گوناگون احساسات فردی زنان به قهرمانان و بالعکس است. توصیفات زیبایی زنان در شاهنامه از رنگ و لعاب بیشتری برخوردار است. چراکه همین زیبایی و دلفریبی زنان شاهنامه است که زود عاشق، دل‌باخته و دل‌داده می‌شوند. در باب پادشاهی اینکه برخی زنان از این نقش خوب بر آمدند و نسبت به مملکت‌داری حساس، بانفوذ و اکثراً دادگر بودند و برخی زمینه‌ساز شکل‌گیری پادشاهی دیگر

بوده‌اند. در بحث ازدواج و همسری اینکه بیشتر ازدواج‌ها برون همسری است تا درون همسری و زنان بعد از به دنیا آوردن پهلوانان، بلافاصله حذف می‌شوند و صحبتی از آنان به میان نمی‌آید. در باب عفاف و پوشیدگی اینکه زن از بی حرمتی‌ها میرا است. زیرا که زنان با وجود داشتن حجاب و حفظ گوهر زنانه خویش، به فعالیت‌های اجتماعی و حکومتی می‌پرداختند و حجاب و حفظ گوهر زنانه، مانع خواسته‌های معقول آنها نبوده است. در باب بی‌وفایی و خیانت زنان، اینکه فردوسی از سودابه همسر کیکائوس و گلنار همسر اردوان نام می‌برد که خیانت او مایه ننگ و رسوایی است. نکته دیگر درست است که برخی از ابیات شاهنامه بیانگر زن ستیزی و تیره بختی زنان را منعکس می‌کند و وجود زنان را پائین‌تر از مردان نشان می‌دهد، اما به‌طور کلی دیدگاه فردوسی از شخصیت زن با نوعی بلند والایی و بلند مقامی همراه است و شخصیت و صفات زنان و نقش آنان در جامعه پر رنگ‌تر حد معمول نشان داده شده است و با تأملی در نوع نگرش آفرینندگان ادبیات حماسی، می‌توان به نوع آمیختگی فرهنگ‌ها و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر پی برد. در دو نگاره «زال و رودابه» و «دیدار اردشیر و گلنار» که در این پژوهش بررسی و تحلیل شد، صفات یاد شده از شخصیت زن با به‌کارگیری چهره‌پردازی و نقش‌پردازی در ترکیب نگاره‌ها بر طبق سنت نگارگری عصر تیموری نشان داده شده است که با نوعی واقع‌گرایی همراه می‌باشد. این منحصر به فرد بودن زنان شاهنامه چه در جنبه‌های مثبت شخصیتی و چه در جنبه‌های منفی شخصیتی، سعی شده که در نگاره‌ها به تصویر کشیده شود. اگر که چه در قسمتی از نگاره‌ها برداشت ذهنی نگارگر از داستان شاهنامه مصور شده است.

منابع و مأخذ:

- آبوت، پاملا. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی، چاپ سوم، تهران: نی.
- آزند، یعقوب. (۱۳۷۸). مکتب نگارگری هرات. تهران: فرهنگستان هنر.
- اتیگهاوزن، ریچارد؛ یار شاطر، احسان. (۱۳۷۹). اوج‌های درخشان هنر ایران. ترجمه‌ی رویین پاکباز و هرمز عبداللهی. تهران: آگه.
- اسلامی ندوشن، محمد علی. (۱۳۷۰). آواها وایماها. تهران: یزدان.
- اکبری، منوچهر. (۱۳۸۰). "شایست و ناشایست زنان در شاهنامه". مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱، صص ۸۲-۶۳.
- براون، ادوارد. (۱۳۸۶). تاریخ ادبیات ایران. جلد اول. چاپ هفتم. تهران: مروارید.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۵). "نمونه کتیبه‌های معماری در نگاره‌های ایرانی (تحلیلی بر نمونه‌های مکتب هرات و آثار بهزاد)". فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱، صص ۱۲۸-۱۱۱.

- پاک نیا، محبوبه. (۱۳۸۵). "خوانشی از زن در شاهنامه". مجله مطالعات زنان، سال چهارم، شماره دوم، ص ۵۶-۶۸.
- پوپ، آرتور. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا به امروز. تهران: علمی-فرهنگی.
- تبریزی، منصوره. (۱۳۸۶). "ویژگی‌های روانی و جسمانی زن و نقش آنها در رابطه‌ی عاشقانه در اشعار احمد شاملو و خسرو وشیرین نظامی گنجوی". مجله پژوهش و زنان، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی دوم، صص ۱۰۹-۱۲۸.
- تجویدی، علی اکبر. (۱۳۷۵). نگاهی به هنر نقاشی ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حائری، جمال‌الدین. (۱۳۸۳)، زنان شاهنامه، پژوهش و نقالی از آذرگشب تا همای. چاپ اول. تهران: پیوند نو.
- حسن‌وند، محمد کاظم؛ آخوندی، شهلا. (۱۳۹۱). "بررسی سیر تحول چهره‌نگاری در نگارگری ایران تا انتهای دوره صفویه"، فصلنامه علمی-پژوهشی نگره، شماره ۲۴، صص ۱۴-۳۶.
- حسینی، مریم. (۱۳۸۵). "آرمان شهر زنان، مقایسه تطبیقی داستان شهر زنان در اسکندرنامه شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی با اسطوره‌های کهن یونانی و داستان‌های اوتوپییایی". مجله پژوهش زنان، شماره سوم، صص ۱۳۱-۱۱۷.
- حریری، ناصر. (۱۳۹۴). فردوسی، زن و تراژدی (مجموعه مقالات)، چاپ دوم، بابل: آویشن.
- حسین زاده، آذین. (۱۳۸۳). زن آرمانی زن فتنه، بررسی جایگاه زن در ادبیات فارسی. چاپ اول. تهران: قطره.
- حسینی، مریم. (۱۳۸۸). ریشه‌های زن ستیزی در ادبیات فارسی، تهران: چشمه.
- حیاتی، داریوش. (۱۳۹۴). "بررسی تطبیقی بیوولف و شاهنامه از دیدگاه کهن‌الگوی سفری". فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۱۲-۳۰.
- حمیدیان، سعید. (۱۳۸۳). شاهنامه فردوسی (براساس چاپ مسکو). تهران: قطره.
- خاقانی، علی. (۱۳۷۶). زن از نگاه شاعر. چاپ اول. تهران: ندای فرهنگ.
- خواجوی کرمانی، کمال‌الدین ابو عطاء. (۱۳۸۶). سام‌نامه. تصحیح میترا مهرآبادی. چاپ اول. تهران: دنیای کتاب.
- دیاکوف، وی. (۱۳۵۳). تاریخ جهان باستان. ترجمه‌ی علی‌الله همدانی. جلد اول. تهران: توس.
- دبیر سیاقی، محمد. (۱۳۶۵). "فردوسی، زن و تراژدی، (مقالاتی از عبدالحسین زرین کوب اسلامی ندوشن، نصرالله فلسفی، دبیر سیاقی، میهن تجدد، رضا براهنی)". به کوشش ناصر حریری، تهران: چاپ بابل.

- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). انواع شعر فارسی. چاپ دوم. شیراز: نوید شیراز.
- زرّین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۴). سیری در شعر فارسی. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- (۱۳۸۸). سرّ نی، نقد شرح تحلیلی و تطبیقی مثنوی. جلد اول. چاپ دوازدهم. تهران: علمی.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۸۸). از رنگ گل تا رنج خار (شکل شناسی داستان‌های شاهنامه). تهران: علمی و فرهنگی.
- سعدی، مصلح الدّین ابو محمّد عبدالله بن مشرف. (۱۳۸۶). گلستان. به تصحیح محمّد خزّالی. چاپ هشتم. تهران: جاویدان.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۹). انواع ادبی. چاپ چهارم. تهران: میترا.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۷). حماسه سرایی در ایران. چاپ چهارم. تهران: فردوس.
- صورتگر، لطفعلی. (۱۳۶۸). نامه صورتگر. تهران: پاژنگ.
- علوی، هدایت الله. (۱۳۸۰). زن در ایران باستان. تهران: هنرمند.
- علوی، سیّد. (۱۳۸۹). فرهنگ مثنوی. چاپ اول. تهران: علمی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). شاهنامه. به تصحیح ژول مل، با مقدمه دکتر محمدامین ریاحی. چاپ پنجم. تهران: سخن.
- قبول، احسان. (۱۳۸۸). "شخصیت شناسی شغاد در شاهنامه". مجله جستارهای ادبی. شماره ۱۶۴، صص ۱۰-۲.
- کرین، حائری. (۱۳۷۴). ارض ملکوت. ترجمه‌ی سیّد ضیاءالدّین دهشیری. تهران: طهوری.
- کیا، خجسته. (۱۳۷۱). سخنان سزاوار زنان پهلوانی. چاپ اول. تهران: فاخته.
- گرین، ویلفرد؛ لیبران، مورگان و یلنیگهم، جان. (۱۳۸۳). مبانی نقد ادبی. ترجمه‌ی فرزانه طاهری. چاپ سوم. تهران: نیلوفر.
- گری، بازل. (۱۳۸۴). نقّاشی ایران. ترجمه‌ی عربعلی شروه. تهران: عصرجدید.
- مجیدی کرائی، نور محمّد. (۱۳۸۷). ابر زنان ایران. تهران: انتشارات آرون.
- محبّتی، مهدی. (۱۳۸۱). پهلوان در بن بست. چاپ اول. تهران: سخن.

- (۱۳۸۸). از معنا تا صورت. جلد اول. چاپ اول. تهران: سخن.
- مختاری، محمد. (۱۳۷۹). حماسه در رمز و راز ملی. چاپ دوم. تهران: توس.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.
- مسکوب، شاهرخ. (۱۳۷۵). سوگ سیاوش. چاپ ششم. تهران: خوارزمی.
- موسوی، سید کاظم؛ خسروی، اشرف. (۱۳۸۷). "آنیما و راز اسارت خواهران همراه در شاهنامه". مجله پژوهش زنان، شماره ۳، ۱۰-۱.
- میر صادقی، جمال. (۱۳۷۶). ادبیات داستانی. چاپ دوم. تهران: سخن.
- (۱۳۸۰). عناصر داستانی. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۴). کلیات. به کوشش و ویرایش کاظم عابدینی مطلق. چاپ دوم. تهران: کومه.
- نولدکه، تئودور. (۱۳۷۹). حماسه ملی ایران. ترجمه‌ی بزرگ علوی. چاپ پنجم. تهران: نگاه.
- یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۸۸). از باژ تا دروازه رزان. چاپ اول. تهران: سخن.
- یزدانی، زینب. (۱۳۸۸). زن در شعر فارسی دیروز، امروز. چاپ اول. تهران: فردوس.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۸۸). چشمه‌ی روشن. دیداری با شاعران. چاپ دوازدهم. تهران: علمی.